

## اهمیت درگزين در حملات عثمانی به غرب ایران

(۹۰۷-۱۱۴۳ هـ.ق)

### چکیده

حملات عثمانی به مرزهای اسلامی در شرق برخلاف غرب این امپراتوری، نیاز به توجه مناسب و اقتناع افکار عمومی داخلی و مسلمانان سایر بلاد داشت. در همین راستا حاکمان عثمانی اهداف خود از یورش به شرق را احیای خلافت اسلامی، مقابله با صفویان به عنوان مروجان تشیع و کمک به همکیشان سنی خود در شرق به خصوص در داخل ایران عنوان می‌داشتند. در همین رابطه حضور چندین باره قوای عثمانی در منطقه سنی نشین درگزين، فرضیه همراهی اهالی این شهر با عثمانی را قوت بخشیده است. این فرضیه از آنجایی مطرح گردیده که درگزين در مرکز ایران از معدود مناطق سنی نشین بوده که همچنان اهالی آن با روی کار آمدن صفویه در نارضایتی از حکومت جدید به سر می‌برده‌اند. همچنین حملات سلطان سلیمان عثمانی در سال‌های ۹۴۰ و ۹۴۱ قمری و پس از آن حضور برخی سفرا و در نهایت حملات چندین باره نیروهای عثمانی به درگزين در اواخر حکومت صفوی، بر اهمیت این موضوع افزوده تا جایی که این حملات به منظور حمایت از اهالی سنی مذهب این محل قلمداد شده است.

بنابراین، پژوهش حاضر در تلاش است تا در یک رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل و بررسی اهمیت درگزين و اهالی سنی مذهب آن در حملات عثمانی به غرب ایران در بازه زمانی تأسیس حکومت صفوی تا حملات نادر شاه به درگزين در سال ۱۱۴۳ قمری بپردازد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که همراهی اهالی این منطقه با عثمانی در مقاطع محدود و آن نیز در مخالفت با صفویه بوده است. گزارش منابع از قتل و غارت اهالی درگزين از سوی نیروهای عثمانی و نیز گرایش درگزينی‌ها به آق قویونلوها و افغان‌ها در اواخر حکومت صفوی، می‌تواند دلیلی بر عدم همراهی مستمر اهالی این محل با عثمانی باشد.

واژگان کلیدی: صفویه، عثمانی، همدان، درگزين، سنجان درگزين.

### ۱. مقدمه

در دوره صفوی استراتژی عثمانی در رابطه با شرق به دو عنصر سیاسی و مذهبی متکی بود؛ در بُعد سیاسی حکومت عثمانی پس از طی یک دوره نبردهای تثبیت قدرت در اروپا (۱۴۵۳-۱۲۸۰م/۸۵۷-۶۷۹ق) وارد عصر طلایی شد (۹۷۳-۸۵۷ه.ق/۱۵۶۶-۱۴۵۳م). در این دوره، سلاطین نامداری چون سلطان سلیم اول (۹۱۷-۹۲۶ه.ق / ۱۵۲۰-۱۵۱۲م.) و سلطان سلیمان اول (۹۷۳-ه.ق / ۱۵۶۶-۱۵۲۰م.) به حکومت رسیدند که وضعیت سیاسی عثمانی دگرگون شده و پس از فتوحات و پیروزی‌های بیشتر و گسترش قلمرو در غرب اینبار توجهات متوجه شرق اسلامی شد. سلطان سلیم اول که پایه‌های حکومت عثمانی را در مصر مستحکم نمود، با آمدن پسر شریف مکه نزد وی تسلط بر حرمین شریفین نیز تثبیت گردید و سلاطین عثمانی به عنوان خادمین حرمین شریفین و خلافت شناخته شدند (اینالجب، ۱۳۹۴: ۶۰). انضمام سرزمین‌های عربی و به ویژه مکه و مدینه، به امپراتوری عثمانی، شاخص آغاز دوران جدیدی بود. امپراتوری دیگر نه حکومتی مرزی، بلکه خلافتی اسلامی بود و سلاطین عثمانی، اکنون خود را نه تنها مدافع سرحدات، بلکه حافظ کل جهان اسلام می‌دانستند که مزایای سیاسی این شیوه از حکومت در زمان سلطنت جانشینان سلیم مشخص شد (اینالجب، ۱۳۹۴: ۶۱). به همین دلیل در اوایل قرن شانزدهم تمایلات سنی‌گری به صورت یک سیاست حکومتی قدرت گرفته و وجود خطر شرق برای عثمانی مهم شد (امامی، ۱۳۹۵: ۷۲). از این زمان، حمایت از اهل سنت به اندازه‌ای در سیاست خارجی و تهاجمات عثمانی اهمیت یافت که قیام پاترونا خلیل که سلطان احمد سوم و وزیر وی ابراهیم پاشا را متهم به واگذاری قلمرو اهل سنت به کفار کرده بود، مکمل شکست عثمانی از نادرشاه شد تا پرونده سلطان عثمانی و وزیر اعظم وی بسته شد (حضرتی، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

با تکیه بر همین مسأله، ناحیه درگزین در دوره صفویه که جمعیت اهل سنت قابل توجهی را در خود جای داده بود، در نگرش سیاسی- مذهبی عثمانی اهمیت یافت. بخصوص که گفته شده بود شکایت‌هایی از اهالی این محل به دربار عثمانی مبنی بر بدرفتاری شیعیان رسیده بود (فرائطی زاده، ۱۸۳۶: ۱۹۹ / ۲) از جمله گزارشی بوده که به سلطان احمدخان (ثالث) عثمانی (۱۱۱۵-۱۱۴۳ ق) رسیده بود، که لارنس لاکهارت نیز انتصاب حسن پاشا والی بغداد ( پدر احمد پاشا) به فرماندهی عساکر مأمور فتح نواحی غربی ایران را مقابله با مبارزات مذهبی شیعیان به سرکردگی ملا محمد باقر مجلسی بر علیه اهل سنت دانسته، که پاشای عثمانی از این موضوع خشمگین بوده است

(اذکایی، ۱۳۹۲: ۳۸؛ همچنین بنگرید: ریاحی، ۱۳۶۸: ۹۷). با این حال، این تنها علت حملات عثمانی نبوده و علل سیاسی و مطامع سنتی در این موضوع دخیل بوده است.

با وقوف بر چنین مقدماتی در پژوهش حاضر دروازه بحث به روی مسأله اهمیت درگزين در نگرش سیاسی - مذهبی عثمانی گشوده می‌شود. درباره بحث پیش روی، انگاره غالب این است که نگرش سیاسی و مذهبی عثمانی به ایران، هرچند در ابتدا مبنای مذهبی داشت و حاکمان عثمانی به عنوان سردمداران خلافت و حامیان اهل سنت خود را مؤظف به حمایت از اهل سنت ایران می‌دانستند - یا حداقل چنین وانمود می‌کردند- و همین موضوع به حملات آنان مشروعیت می‌بخشید، اما این امر به شدت متأثر از منافع سیاسی عثمانی بود که تعیین کننده جهت گیری‌ها بود و نگرش مذهبی بیشتر یک امر پوششی به حساب می‌آمد که تنها در مواقع نابسامانی اوضاع حکومت صفوی و فراغت عثمانی از شورش‌ها و نبردها در غرب، شکل عملی به خود می‌گرفت.

در خصوص موضوع اخیر یعنی «اهمیت درگزين در نگرش سیاسی - مذهبی عثمانی به شرق» تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده، تنها به صورت جسته و گریخته اشاراتی در منابع عمدتاً محلی همدان به آن شده که مهمترین آنها عبارتند از: «درگزين تا کاشان» تألیف پرویز اذکایی (۱۳۹۲)، «تاریخ اراک» (۱۳۹۳) و «اقلیت‌های عراق یا سنی‌های درگزين» (۱۳۳۳) از ابراهیم دهگان اراکی. بنابراین نبود پژوهشی مستقل و جامع در این زمینه و اهمیت درگزين و سنیان آن در روابط ایران و عثمانی، اهمیت پژوهش حاضر را می‌رساند که نگارندگان با تکیه بر یک رویکرد پژوهشی و تحلیلی در تلاش برای بازشناسی آن می‌باشند.

## ۲. ممالک اسلامی در سیاست خارجه عثمانی

عثمان مؤسس اولیه امیر نشین عثمانی با تعریف دو کارکرد ویژه برای امارت خود که عبارت بود از «جهاد اسلامی» و «مرزبانی قلمرو اسلامی» در مقابل مرزهای مسیحی جایگاه ویژه‌ای برای خود در نزد دیگر امارت‌های آناتولی به دست آورد (حضرتی، ۱۳۸۹: ۹۹). این امر با استقرار امارت عثمانی

در شمال غربی آناتولی در میانهٔ دنیای مسیحیت جایی که «دارالحرب» نامیده شده از یک سو و دنیای اسلام (دارالاسلام) از سوی دیگر نوعی سیاست جنگی را بر این دولت تحمیل کرد (احمد یاعی، ۱۳۸۹: ۱۸). در ابتدا سیاست دولت عثمانی متوجه اروپا و دنیای پیرامون بود و حملات بدان سو برای عثمانی جنبهٔ آرمانی داشت و تمام محاسبات دولت درست بر مبنای همین اولویت طراحی شده بود. اما لازمهٔ تداوم چنین سیاستی فراهم کردن نیروی انسانی عظیمی بود. به علاوه حکومت عثمانی به دلیل اتکای به قوانین و ارزش‌های اسلامی ناچار به قرار گرفتن در چهارچوب امت اسلامی بود (ارآوچی، ۱۳۹۲: ۱۶). با این حال، تا روی کار آمدن سلطان سلیم اول که آغاز دورهٔ طلایی حکومت عثمانی است، توجه به شرق و بخصوص ایران چندان مورد توجه قرار نگرفت و عمدهٔ نگاه‌ها به غرب متمرکز بود. اما سلیم اول انقلابی در استراتژی نظامی دولت عثمانی پدید آورد و حرکت به سوی غرب را متوقف کرد و پیشروی به شرق و رسیدن به قلب شرق عربی را پی گرفت، در علت این امر سه تحلیل وجود دارد: (۱) نظریه اشباح نظامی عثمانی در اروپا؛ (۲) نظریهٔ نزاع عثمانی با پرتغالی‌ها؛ (۳) نظریهٔ جنگ عثمانی - صفوی؛ طرفداران نظریهٔ اخیر معتقدند که بسط تشیع در ایران و آسیای صغیر دولت عثمانی را بر آن داشت تا مسیرش را به سوی شرق عربی برای حمایت از آسیای صغیر به طور خاص و جهان تسنن به صورت عام، تغییر دهد. در این زمان خاندان صفوی در ایران به قدرت رسیده و شاه اسماعیل صفوی یک حرکت قومی - دینی را برای وحدت بخشیدن به سرزمین ایران و رسمی کردن مذهب تشیع در آنجا و نواحی مجاور آغاز کرد و کربلا، نجف و غیره را ضمیمهٔ خاک خود کرد (احمدیاعی، ۱۳۸۹: ۲۷ و ۲۸). در چنین شرایطی سلطان سلیم اول (۹۲۶-۹۱۸ق / ۱۵۱۲-۱۵۲۰م.) دورهٔ هشت سالهٔ حکومت خود را تماماً صرف تصرف بلاد شرقی کرد و در این مدت هیچ حمله‌ای به غرب انجام نشد.

با تغییر رویکرد سلطان سلیم به شرق، از این پس دولت عثمانی رنگ و بوی عربی یافت و صبغهٔ اسلامیت آن بیشتر شد و شمار رعایای مسلمان آن با ورود ساکنین مصر، شام و حجاز در داخل و حوزهٔ قدرت عثمانی، بیش از پیش شده و همچنین تا پیش از سلیم دولت عثمانی یک دولت بالکانی-آناتولی بود، در پایان حکومت وی به یک دولت اروپایی، آسیایی و آفریقایی تبدیل شد (همان، ۳۱ و ۳۲). اما آنچه به حکومت عثمانی در شرق اعتبار بخشید فتح مصر و شام و حرمین شریفین بود. هرچند که پیش از این نیز سلطان مراد اول ادعای خلافت کرده بود و محمد اول نیز پایتخت خود را «دارالخلافة» نامیده بود اما تسلط سلطان سلیم بر حرمین موقعیت او را به طور خاص بالا برد و

خود را «خليفة الله في طول الأرض و عرضها» نامید (همان، ۵۷). از این زمان بود که سلاطین عثمانی موفق به احراز دو عنوان مهم «خادم الحرمين شريف» و «خلافت» شدند (اوزون چارشلی، ۱۳۸۰: ۳۳۳/۲).

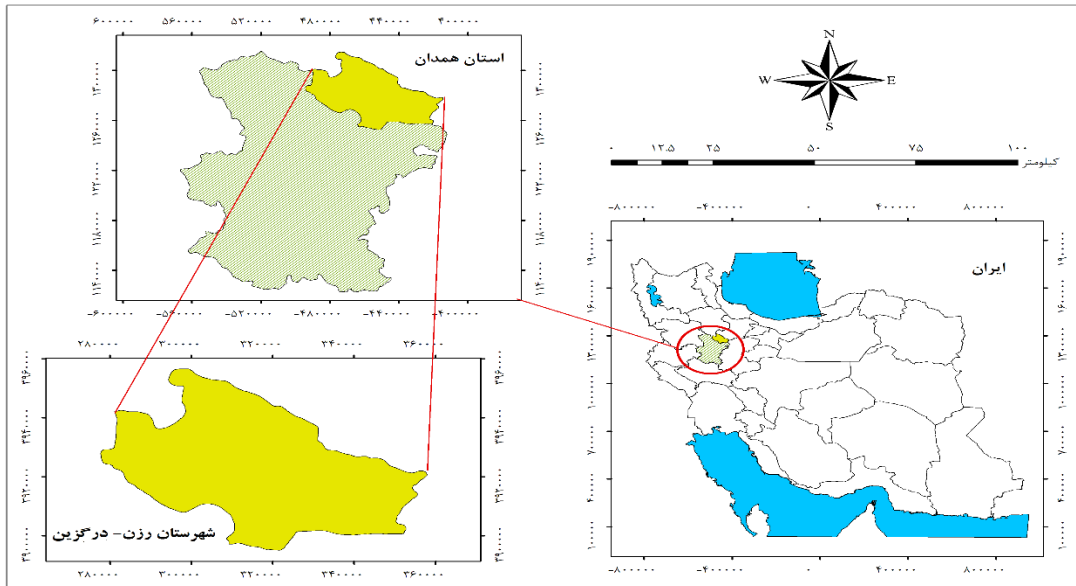
سلطان سلیم پس از آن متوجه حکومت صفوی شد و شاه اسماعیل را که به تازگی تشیع را به عنوان دین رسمی خود قرار داده بود، متهم به تحریف آیین اسلام کرده که برای احیای شریعت محمدی باید او را از صفحه عالم قلع و قمع کند. به همین علت درصدد برآمد تا فتوای علمای عثمانی را برای مقابله با شیعیان و شاه اسماعیل کسب کند، چرا که مخالفت‌هایی در این خصوص وجود داشت و سلطان سلیم تا مدتی منتظر پاسخ مثبت علما ماند (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۲/ ۲۸۰). سرانجام فتوای مذکور به امضای حمزه افندی مفتی وقت و تنی چند از روحانیون دیگر منتشر شد که بر اساس آن جنگ با قزلباشان از جهاد مقدس نیز مهمتر قلمداد می‌شد (ساری کایا، ۱۳۹۲: ۲۹۴) و عثمانی‌ها در حمله به صفویه آنان را زندیق خواندند و سعی کردند به جنگ خود جنبه قانونی بخشند (امامی، ۱۳۹۵: ۷۲). این رویه در دوره سایر پادشاهان عثمانی نیز ادامه یافته و حملات آنان با تکیه بر همین بهانه‌ها که در راستای کسب مشروعیت داخلی نیز بود، صورت می‌گرفت. به همین علت، گفته شده بود سلطان سلیمان عثمانی از شاه طهماسب خواسته بود تا وی را به عنوان خلیفه مسلمین بپذیرد اما چون وی از قبول آن سرباز زده و همچنین در این زمان رهبران دینی سنی مذهب عراق بر ضد سپاه ایران و رهبران شیعه که به آنان سختگیری می‌کردند، شوریده بودند، لذا در سال ۹۴۱ ه.ق / ۱۵۳۴ م. راهی مرزهای ایران شده و آذربایجان، بغداد و سایر نواحی عراق را فتح کرد (احمد یاغی، ۱۳۸۹: ۵۹). به دنبال این وقایع بود که دولت عثمانی رهبری خود را به عنوان جانبدار تسنن در شرق تثبیت کرد و همین موضوع در تهاجمات آتی عثمانی به شرق نقش مهمی ایفاء کرد.

### ۳. جغرافیا و پیشینه تاریخی درگزین

درگزین در شمال استان همدان، درگذشته خود بخشی از ناحیه‌ای به مراتب وسیع‌تر با نام «أعلم» یا «الممر» بوده است (ابن فقیه، ۱۴۱۶: ۴۹۵؛ یاقوت، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۸۰؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۳-۷۲). این محل تا پیش از ارتقاء شهر قروه درگزین به «شهرستان درگزین» (۱۳۹۷) بخشی از شهرستان رزن

و از توابع شهر قروه به حساب می‌آمده اما امروزه به طور کامل در تقسیمات شهرستان درگزین قرار گرفته و ساکنین این محل عمدتاً به زبان ترکی تکلم می‌کنند.

محدوده درگزین از شمال به کوه‌های خرقان، از شرق به شهرستان ساوه، از جنوب به استان همدان و از غرب نیز به شهرستان رزن می‌رسد. این ناحیه درست در میانه راه همدان به قزوین و زنجان قرار گرفته (شکل ۱) که به این واسطه از گذشت تاکنون از اهمیت میان راهی برخوردار بوده است (بنگرید: شرفی صفا و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶-۴۹؛ بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸۴؛ Sharafi (Safa & Ali Soufi, 2020: 2020). از این محل در آثار مورخان و جغرافی‌نویسان اسلامی به کرات یاد شده و قدیمی‌ترین متنی که در آن نام درگزین به میان آمده، کتاب «نَفْتَةُ الْمَصْدُورِ فَتُورِ الزَّمانِ الصَّدُورِ وَ صَدُورِ زَمانِ الفُتُورِ» تألیف وزیر انوشیروان بن خالد کاشانی (۵۳۲ ق) بوده که عمادالدین کاتب اصفهانی (۵۱۹-۵۹۷ هـ ق / ۱۲۰۱-۱۱۲۵ م.) و یاقوت حموی (۶۲۶ هـ ق / ۱۲۲۹ م.) از آن نقل کرده‌اند که چنین است: «اینک شهرکی است از اقلیم «أَعْلَم» و ابوالقاسم انسبادی وزیر از آنجا باشد» (عماد کاتب، ۱۴۲۵: ۲۶۴؛ یاقوت، ۱۳۸۰: ۲۸۰/۱). یاقوت در معجم البلدان آن را به صورت «درکجین» (با جیم)، «درگجین»، «درکجین» از اقلیم أَعْلَم آورده که از بزرگ‌ترین قرای این ناحیه بوده و گوید تمام مردم آن مزدکیه ملاحظه باشند (همان، ۳۷۸ / ۲). پس از آن، حمدالله مستوفی قزوینی که در قرن هشتم درگزین را از نزدیک دیده در تقسیم‌بندی نواحی همدان، آن را در خوره (کوره) أَعْلَم، شهرستان این ناحیه دانسته که مردم آن سنی شافعی مذهب بوده‌اند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۲-۷۳). با آغاز دوره صفوی درگزین که در گذشته سلطان‌نشین و مرکزیت ناحیه أَعْلَم بوده (بنگرید: یاقوت، ۱۳۸۰: ۲۸۰ / ۱، ۳۷۸ / ۲؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۹/۱)، این بار نام خود را به تمام ناحیه أَعْلَم داده و با عنوان درگزین شناخته شده است.



شکل ۱: محدوده شهرستان رزن - درگزین در استان همدان

#### ۴. نبرد آلمه قولاغی: نخستین تماس عثمانی با درگزین

شاه اسماعیل در سال ۹۰۷ هـ.ق / ۱۵۰۲ م. الوند میرزای آق قویونلو را در نخجوان شکست داد و او را وادار به فرار به دیار بکر کرد (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۲ / ۲۴۴). الوند میرزا در دیاربکر از حکومت عثمانی یاری طلبیده سپس به بغداد آمد و برادرش سلطان مراد را با خود همراه ساخت و روانه همدان کرد (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۶۶؛ گنابادی، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۰). متحدین آق قویونلو در نبرد نخست در نواحی گلپایگان از شاه اسماعیل شکست خوردند و اسفندیار بیک کشته شد و سپاه قزلباش به درگزین آمده و از آنجا خبر را به شاه اسماعیل که اینک در سلطانیه بود رساندند (گنابادی، ۱۳۸۷: ۷۰-۷۱). نبرد اصلی میان طرفین در ۲۴ ذی‌الحجه ۹۰۸ هـ.ق / ۱۵۰۳ م. در «آلمه قولاغی» از نواحی همدان واقع شد و در میانه نبرد الوند میرزا کشته شد و فرماندهان و سپاهیان عثمانی که به همراه لشکر الوند میرزا بودند مسیر گلپایگان را در پیش گرفتند، سپس تکه‌تکه شده و هرکدام به سوی عثمانی فرار کردند (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۲ / ۱۳۵). مصطفی پاشا سردار عثمانی در این نبردها کشته شد؛ اما سلطان مراد همچنان زنده بود (سنه ۹۰۸ هـ.ق / ۱۵۰۳ م.) و از گلپایگان به سوی اصفهان و شیراز

رفت (امینی، ۱۳۸۳: ۱۸۵-۱۸۴؛ خاتون‌آبادی، ۱۳۵۲: ۴۴۲؛ مستوفی، ۱۳۷۵: ۴۹). پس از آن شاه اسماعیل سال ۹۱۰هـ.ق / ۱۵۰۵م. را در بیلاق خرقان و همدان گذراند و چون نوروز فرارسیده از درگزین و از جاده شراً علیا (از نواحی شرقی درگزین) به امامزاده «سهل علی» در اراک رفت و سپس از آنجا روانه گلپایگان و اصفهان شد (عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۱).

در وقایع مذکور هرچند که اشاره مستقیم به نقش اهالی درگزین در این نبرد نشده، اما با توجه به ذکر چندین باره نام درگزین و وقوع نبردهایی در این محل، چنین به نظر می‌رسد که قوای درگزین نیز در این اتفاقات مشارکت داشته و حضور الوند میرزا و قوای عثمانی نیز در این محل به جهت یاری و موافقت گروه‌های درگزینی بوده است.

## ۵. لشکرکشی سلطان سلیمان به درگزین

چون حمایت قوای عثمانی از بازماندگان ترکمانان آق قویونلو نتوانست حرکت خاندان صفوی را متوقف کند، این بار سلطان سلیمان عثمانی در رأس سپاهی عظیم (۹۴۰هـ.ق / ۱۵۳۳م.) عازم ایران شد و ابراهیم پاشای وزیر را در مقدمه سپاه روانه ساخت (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۲ / ۳۷۹).

۳۷۸؛ فریدون بیگ، ۱۸۵۸: ۱ / ۶-۱) سپاهیان عثمانی شهر تبریز را تصرف کرده و به سوی سلطانیه و نواحی همدان و درگزین حرکت کردند. در این زمان سلطان سلیمان که قصد حرکت به سوی بغداد را داشت، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، مسیر سلطانیه به سهرورد را که مسیری هموار و مستقیم بود، انتخاب نکرد و در ۱۲ ربیع‌الآخر ۹۴۱هـ.ق / ۲۰ اکتبر ۱۵۳۴م. از صابین قلعه به سوی بغداد حرکت کرده و پس از پشت سر نهادن منازل و مراحل همچون؛ زاویه پاریسیان، روستای کوشک ربابلر، آبگرم، آوه (اوج)، دربند قرقان، روستای همیان (ماهنیان)، به درگزین رسید و از آنجا روانه همدان و بغداد شد (مطراقچی، ۱۳۷۷: ۴۵؛ اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۲ / ۳۷۸).

سلطان سلیمان در جریان دومین لشکرکشی خود به ایران در محرم سال ۹۴۲هـ.ق / ۱۵۳۵م. در پی تعقیب شاه طهماسب از زنجان و سلطانیه و قیدار گذشته و پس از عبور از منزل تخت سلیمان، دهنه و باش سیز گنبد، به نواحی درگزین رسید (ادرنه‌لی، ۱۸۶۰: ۶۰). سلطان سلیمان به مدت سه روز از سوم تا ششم صفر در درگزین توقف کرد (مطراقچی، ۱۳۷۷: ۴۵) و در چند نوبت سفرایی از سوی شاه طهماسب نزد وی آمدند اما در نهایت به دلیل حملات گاه و بی‌گاه قزلباشان و سرگردانی



نیروها مجبور به بازگشت شد (چلبی زاده، ۱۸۳۲: ۱۲۱-۱۲۲). سلطان سلیمان بر خلاف آنچه انتظار می‌رفت این بار بدون این که به سوی بغداد حرکت کند از درگزین و از همان مسیری که آمده بود به تبریز و سپس استانبول بازگشت (مطراقچی، ۱۳۷۷: ۴۵؛ اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۲/۳۷۸).

گرچه آنگونه که منابع بدان اشاره دارند علت بازگشت سلطان سلیمان، حملات قزلباشان و نابودی غلات نواحی درگزین و آن حدود از سوی شاه طهماسب (خورشاه، ۱۳۷۹: ۱۲۸؛ بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۸۳/۲) و نیز نهب و غارت سواحل ایتالیا از سوی خیرالدین پاشا (تاریخ عثمانی، بی تا: ۹۵) بوده است.

## **۶. جنگ‌های دوازده ساله و تصرف همدان و درگزین (۹۸۶ه.ق/۱۵۷۸م تا ۱۵۹۰/۹۹۸م.)**

پس از وفات شاه طهماسب، در دوره کوتاه حکومت شاه اسماعیلی دوم (۹۸۴-۹۸۵ه.ق/۱۵۷۷-۱۵۷۶م.)، تهاجمی از سوی عثمانی به ایران صورت نگرفت. هرچند که گفته شده بود علت آن جنگاوری و دلاوری‌های شاه اسماعیل بوده، اما این امر می‌بایست به دلیل تمایل وی به مذهب اهل سنت صورت گرفته باشد. در گزارشی هم که خان کریمه از اوضاع ایران در سال ۹۸۵ه.ق/۱۵۷۷م به دولت عثمانی ارائه داده بود، در اثنای جنگ قدرت در میان شاهزادگان برای جانشینی، مسئله قیام سنیان نیز به چشم می‌خورد. همچنین از دیگر گزارش‌ها نیز بر می‌آید که شاه اسماعیل دوم با نادیده گرفتن سیاست صلح پدر با عثمانی، تعدادی از خوانین کُرد را که تحت اداره عثمانی بودند را به سوی خود جلب کرده بود (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۸۳/۳). این اقدام شاه اسماعیل کُردان را که از متحدان اصلی عثمانی در حمله به نواحی غربی ایران و بخصوص همدان و درگزین بودند، به عنوان متحدان صفوی درآورده و حکومت عثمانی را از یک بازوی تهاجمی قدرتمند در غرب ایران محروم ساخته بود و حتی گفته شده بود که شاه اسماعیل خان‌های کُرد را بر علیه عثمانی تحریک کرده بود (همان، ۱۳۸/۵).

با وفات شاه اسماعیل دوم، محمد خدابنده در ذیحجه ۹۸۵ه.ق/۱۵۷۸م. به سلطنت رسید و در این زمان حکومت عثمانی چون شرایط را مناسب دیده، لاله مصطفی پاشا را روانه گرجستان کرد (اوزون

چارشلی، ۱۳۶۸: ۸۵/۳). اما تا سال ۹۹۵ ه.ق / ۱۵۸۷ م. که سنان پاشا معروف به «چغال اغلی» به بیگلربیگی بغداد برگزیده شد، نواحی غربی ایران و در رأس آن همدان و درگزین از حملات عثمانی به دور ماند. در این ایام همزمان با حمله فرهاد پاشا به تبریز، سنان پاشا نیز از سوی عراق وارد ایران شد و به سوی همدان و لرستان حرکت کرد (پچوی، ۱۸۶۴: ۱۱۲-۱۳) سنان پاشا که کردها را نیز با خود به همراه داشت، در نهایند - که عمدتاً شیعه مذهب - بودند متوقف شد که اسکندر بیک ترکمان در «عالم آرای عباسی» در این باره گوید: «ساکنین نهایند که اکثراً شیعه مذهب هستند با رومیان نمی آمیختند و در این آمد و شد خرابی بسیاری بر قلمرو علی شکر وارد شد» (۱۳۸۲: ۴۰۶/۲). پس از آن سنان پاشا عازم ناحیه سنی نشین درگزین در شمال همدان گردید و این نواحی نیز با قتل و غارت بسیار به تصرف سپاهیان عثمانی درآمد (ترکمان، ۱۳۸۲: ۴۰۶/۲؛ چلبی، ۱۳۱۴: ۳۴۴/۴). همزمان با این وقایع عباس میرزا پسر دوم سلطان محمد خدابنده که والی خراسان بود به پادشاهی رسید (۱۰۳۸-۹۹۶ ه.ق / ۱۶۲۹-۱۵۸۷ م.).

اوضاع آشفته داخلی موجب گردید تا شاه عباس در سال ۹۹۸ ه.ق / ۱۵۹۰ م. برای فراهم نمودن مقدمات صلح با عثمانی، حیدر میرزا، حمزه میرزا و مهدی قلی خان استاجلو والی اردبیل را روانه استانبول کند. هیأت اعزامی شاه عباس در جمادی الأول سال ۹۹۸ ه.ق / ۱۵۹۰ م. در استانبول پیمانی را با سلطان مراد امضاء کرد که به موجب آن جنگ ایران و عثمانی پایان پذیرفت و حاکمیت عثمانی بر شهرهای تبریز، گنجه، قارص، تفلیس، شهرزور، لرستان و همدان تثبیت شد (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۹۰/۳). بدین ترتیب همدان و درگزین همچنان در تصرفات عثمانی باقی ماندند.

## ۷. شاه عباس و موضوع اسکان سنیان موصل در منطقه درگزین

شاه عباس در سال ۱۰۳۲ ه.ق / ۱۶۲۳ م. به دنبال ناآرامی‌های بغداد و تسلیم سوباشی بکر به عثمانی و نیز بی نتیجه ماندن سفارت صفی قلی خان، پس از انتظام امور همدان و درگزین و سرکوب اکراد این نواحی (ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۵۹/۳؛ قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۹۵)، در شوال ۱۰۳۲ ه.ق / ۱۶۲۳ م. به سوی بغداد حرکت کرده و آن را به محاصر گرفت (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۳/۲۰۳-۲۰۰). اما با طولانی شدن زمان محاصره، در حالی که پادشاه صفوی از تصرف بغداد توسط نیروی نظامی مایوس شده بود، سرانجام با شروع سرما و بروز قحطی در شهر با خیانت پسر بکر پاشا، بغداد سقوط کرد و بکر

پاشا کشته شد (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۳/۲۰۳). پس از آن شاه عباس، «قره چقای خان» از سرداران خود را جهت تسخیر قلعه موصل روانه کرد. قارچی قای خان موصل را در ربیع‌الثانی ۱۰۳۲ هـ.ق/ ۱۶۲۳ م. گشود و در همین زمان جمعی از اکراد سنی آن محل را کوچ داده و در حدود درگزین اسکان داد (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۷۱) کوچیده‌های موصل از درگزین تا سر حد فراهان از جمله در: فرک، فرکان، اود آقاجی، آق درّه، شیرین‌آباد، سیجان، عامره، چهرقان، قلعه دژ، هیزج، رزج، قهاوند، آگیس، موزیکان اسکان داده شدند (دهگان، ۱۳۳۳: ۱۷۲). هرچند که اطلاع دقیقی از تعداد این کوچیده‌ها در دست نیست، اما محلات بی‌شمار اسکان آنها و نیز مشارکت پرتعداد این گروه در صفوف مخالفین صفوی، نشان از یک جابجایی بزرگ دارد.

برخی به اشتباه این گروه تازه وارد را منشأ سنی‌های درگزین دانسته‌اند (دهگان، ۱۳۳۳: ۱۷۲-۱۷۱؛ کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۷۰)، در حالی که درگزین از ابتدا محل سکونت اهل سنت بوده که با آمدن سنیان موصلی بر جمعیت و فعالیت آنها افزوده شد. لذا سیاست شاه عباس در جابجایی ایلات تنها در زمان حیات وی کارساز بود و پس از آن به معضل جدی برای جانشینان وی تبدیل شد.

## ۸. تهاجم خسرو پاشا به درگزین (۱۰۳۸ هـ.ق / ۱۶۲۹ م.)

شاه عباس در سال ۱۰۳۸ هـ.ق / ۱۶۲۸ م. درگذشت و شاه صفی نوه‌اش به سلطنت رسید. در این زمان سلطان مراد خان (رابع) پادشاه عثمانی فرصت را مناسب دیده، بار دیگر خسرو پاشای سر عسکر را در رأس سپاهی مأمور تسخیر بغداد و نواحی غربی ایران کرد که پیش از این از دست آنان خارج شده بود (فسایی، ۱۳۸۲: ۱ / ۴۷۲-۴۷۱؛ خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۶۸-۶۷؛ وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۷۹: ۹۵). سپاه عثمانی به موصل رسیده اما با طولانی شدن زمستان رود دجله و فرات طغیان کرده و خلیل پاشا به پیروی از نظرات خان‌های کُرد که قصد چپاول و تاراج داشتند از مرزهای غربی ایران گذشته قلعه «مهربان» را گرفت و در جنگی زینل خان فرمانده سپاهیان شاه صفی را شکست داد. (پچوی، ۱۸۶۴: ۴۱۲-۱۴) شاه صفی که خود در این زمان در ناحیه درگزین اقامت داشت با حرکت سپاهیان عثمانی آنجا را ترک کرد و به فاصله اندکی از آن خسرو پاشا با تصرف همدان به پای قلعه درگزین رسیدند (چلبی، ۱۴۱۳: ۳۵۲/۴؛ حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۱۸۴؛ زکی بیگ، بی‌تا: ۲/۲۲۰؛ نعیم، ۱۲۸۱ ق: ۳۶/۳-۳۵). در ورودی شهر نبرد سنگینی میان تفنگداران قزلباش و عثمانی در گرفت

و عدهٔ کثیری از سپاهیان عثمانی کشته شدند اما در نهایت شهر به دست سردار «سحران خان» گشوده شد (۳ ذی‌قعدة ۱۰۳۹ ق/ ۱۶۳۰ م.) و قلعهٔ آن آمادگاه سپاهیان گردید (چلبی، ۱۴۱۳: ۳۵۸/۴-۳۵۷؛ خواجه اصفهانی، ۱۳۶۸: ۸۶ و ۸۹). در جریان این وقایع آنگونه که منابع اشاره دارند درگزین قتل و غارت شد (چلبی زاده، ۱۸۳۲: ۵۷۱) و غنایم بسیاری از آن به دست سپاهیان عثمانی افتاد (پچوی، ۱۸۶۴: ۴۱۷) خسرو پاشا پس از آن در نواحی درگزین و خرقان قلعه‌هایی را بنا کرد و سپس در ذی‌الحجهٔ ۱۰۳۹ هـ.ق / ۱۶۲۹ م. به بغداد بازگشت (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۲۱۳/۳) گفته شده بود وی قصد داشت از درگزین راهی قزوین شود، اما پس از اینکه از مسافت درگزین تا قزوین آگاه شده و چون شنیده بود در برخی منازل نیروهای قزلباش به کمین نشسته‌اند و تنگهٔ آوج خرقان را در اختیار دارند، حرکت به آن سو و سرگردانی لشکر را به مصلحت ندید (نعیم، ۱۲۸۱: ۳-۳۶-۳۵)، از سوی دیگر رستم بیک (احتمالاً رستم محمدخان ترکستانی حاکم درگزین) که مأمور دفع قوای عثمانی شده بود، یکسره به آن‌ها دستبرد می‌زد (خواجه اصفهانی، ۱۳۶۸: ۸۶ و ۸۹؛ چلبی، ۱۴۱۳: ۳۵۷/۴-۳۵۸). اما در واقع امر، این وقایع بار دیگر نشان داد که خسرو پاشا نیز همچون سلف خود علاقه‌ای برای پیشروی بیشتر نداشت و از درگزین فراتر نرفت.

## ۹. عهدنامه ذهاب و بازگشت درگزین به قلمرو صفوی

با حملات خسرو پاشا به همدان و درگزین که درست یک سال پس از درگذشت شاه عباس اتفاق افتاد (۱۰۳۹ هـ.ق / ۱۶۲۹ م.)، تا انعقاد عهدنامه ذهاب در سال ۱۰۴۹ هـ.ق / ۱۶۳۹ م. نزدیک به یک دهه درگزین و نواحی آن در دست حکومت عثمانی و متحدین آن یعنی خانک پاشا حاکم بابان باقی ماند. اما به موجب عهدنامهٔ ذهاب که به تأیید شاه صفی و سلطان مراد چهارم (۱۰۳۳-۱۰۴۹ هـ.ق / ۱۶۴۰-۱۶۲۳ م.) رسید، بغداد و برخی از مناطق عراق کنونی ضمیمهٔ خاک عثمانی شد و حاکمیت صفوی بر گرجستان، آذربایجان و همدان تثبیت شد (اوزون چارشلی، ۱۳۶۸: ۲۵۶/۳). اولیاءچلبی در این باره گوید: «چون شاه صفی بغداد را به سلطان مراد داده، همدان و درگزین در دست شاه صفی باقی ماند که این قلعه را قدر و قیمتی دانسته و سلطان نشین نموده و پس از آنکه خانک پاشا والی بابان به عثمانی پیوسته، چغای خان برادر کوچک‌تر خانک پاشا را شاه صفی به خانی درگزین برگزید» (همان، ۳۵۴). اما احتمالاً انتصاب چغای خان به حکومت درگزین به دلیل مراعات حال سنیان درگزین

و نیز جلب رضایت حکومت عثمانی صورت گرفته است. به هر حال، پس از آن چغای تا مدت‌ها حکومت درگزین و نواحی آن را بر عهده داشت و چون اولیاء چلبی در ایام حکومت شاه عباس دوم صفوی (۱۰۶۵ هـ.ق/۱۶۵۵ م.) به درگزین آمده، وی همچنان بر سرکار بوده است. چلبی درگزین را مانند دیار بکر در عراق دانسته که قلعه آن ذخایر زیادی از سلاح و مهمات داشته و پادگان نظامی مهمی با داروغه و خدم و حشم نگهبان در آنجا بوده است (چلبی، ۱۴۱۳: ۳۵۷/۴-۳۵۵).

احتمالاً اولیاء چلبی در خصوص چغای خان حاکم درگزین گوید: «صاحب سپاهیان است (چغای خان)، یک قلعه، آغاسی، کلانتر، داروغه، یساول آغاسی، قورچی باشی، قاضی و در قلعه آن به مقداری کافی جبه‌خانه (مهمات) وجود دارد، حاکم آنجا (چغای) به حضرت علی (ع) قسم می‌خورد و می‌گوید که سنی می‌باشد» (همان). علت رفتار چغای خان را باید در انتصاب وی به خاندان بابان دانست که به نوعی تلاش داشته تا هر دو جانب قضیه یعنی وفاداری به صفویان و انتساب خود ه خاندان اهل سنت بابان را حفظ نماید.

## ۱۰. حملات احمدپاشا به درگزین (۱۱۳۶-۱۱۴۰ هـ.ق / ۱۷۲۷-۱۷۲۴ م.)

### ۱-۱۰. حکومت خانه پاشا بر درگزین

پس از انعقاد عهدنامه ذهاب که دست حکومت عثمانی از همدان و درگزین کوتاه شده، اما بار دیگر با سقوط صفویه، حکومت عثمانی فرصت را مناسب دیده و به اتفاق روس‌ها در سال ۱۱۳۶ هـ.ق / ۱۷۲۴ م. قراردادی بر سر تقسیم ایران امضاء کردند که بر اساس آن، نواحی شمالی ایران سهم روس‌ها و نواحی غربی خط فرضی از منتهای رودهای کورا و ارس به نقطه‌ای در یک‌ساعتی غرب اردبیل به دولت عثمانی واگذار شد (لاکه‌هارت، ۱۳۸۳: ۲۰۷-۲۰۰) اما عثمانی به این قرارداد پایبند نمانده و در سال ۱۱۳۶ هـ.ق / ۱۷۲۴ م. احمد پاشا را روانه مناطق غربی ایران ساخت (عاصم افندی، ۱۸۶۵: ۱۷۹-۱۸۰) که در ذی‌القعدة همین سال به همدان دست یافت و از آنجا «خانک/ خانی پاشا» حاکم به‌به (سنندج) را به همراه دسته‌ای برای تصرف نواحی درگزین روانه ساخت (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۰؛ لاکه‌هارت، ۱۳۸۳: ۲۳۷). خانه پاشا با هزار و پانصد نفر سپاهی راهی درگزین و نواحی آن

شده و پس از سرکوب شورش لطیف میرزا آن را تصرف کرد و سپس وفس در شرق درگزین را ضابط نشین ساخت و همزمان «میر محمود سرابی» از اهالی درگزین که در حملات احمد پاشا به حمایت از وی پرداخته بود به حکومت درگزین دست یافت. اما قتل و غارت این نواحی از سوی قوای عثمانی و اکراد متحد آن باعث شد تا اهالی فریادنامه‌هایی را به ابراهیم پاشا ارسال کرده و از وی درخواست کمک کنند (عاصم افندی، ۱۸۶۵: ۶/۱۹۹ و ۲۵۰؛ فرائظی زاده، ۱۸۳۶: ۳/۱۲۱۳-۱۴)

خوشبختانه وقایع این سال‌ها از سوی یکی از ساکنین این محل با نام محمد باقر وفسی که شاهد حملات خانی پاشا بوده، ثبت شده است. در بخشی از این گزارش آمده است که با یورش قوای عثمانی، اهالی سنی مذهب درگزین به حمایت از قوای عثمانی بیرون آمدند که: «قتل و غارت‌ها را سپاهیان عثمانی می‌کردند که شمارشان به ده هزار تن می‌رسید، ولی راهبر و پیشرو آنان سنی‌های درگزین بودند ... که با قشون مهاجم شرکت نموده و مردم را غارت می‌کردند. هر جا را که سپاه عثمان می‌خواستند غارت کنند سنیان محلی آنان را رهنمون می‌شدند و به مقصد می‌رساندند» (دهگان، ۱۳۳۳: ۱۷۲). به گفته محمدباقر، در وفس که ضابط نشین «خانی پاشا» شد تا دو سال وضع به همین منوال بوده است.

## ۱۰-۲. دور دوم حملات احمد پاشا و نبرد انجدان<sup>۱</sup> (۱۱۳۹ ه.ق / ۱۷۲۶ م.)

احمد پاشا بار دیگر در اواخر پاییز سال ۱۱۳۹ ه.ق/۱۷۲۷ م، راهی نواحی غربی ایران شده و پس از پیوستن اکراد بابان، اردلان و باجان و سایر امرای کردستان به همدان آمده و از آنجا برای مقابله با اشرف افغان به سوی درگزین حرکت کرد (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۰). اشرف افغان نیز با هفده هزار سپاهی متشکل از نیروهای افغان و درگزینی به مقابله شتافت که دو نیرو در ناحیه «انجدان»<sup>۲</sup> واقع در شرق درگزین مقابل یکدیگر قرار گرفتند (عاصم افندی، ۱۸۶۵: ۶/۴۳۶؛ فرائظی زاده، ۱۸۳۶: ۲/۱۲۳۴)

<sup>۱</sup> . ضابط نشین مرکز حکمرانی و محل استقرار حاکمان بوده است.

<sup>۲</sup> . آنجدان روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان اراک در استان مرکزی است.

<sup>۳</sup> . محل این رویارویی در منابع متفاوت آمده که عمده مورخان عثمانی آن را در انجدان و منابع فارسی نیز به اختلاف نواحی «دیزآباد»، «شهرجرد/ شهرگرد» و «کوکوت» ذکر کرده اند که همگی در میانه همدان و ساوه قرار دارند (حزین، ۱۳۷۵: ۲۰۸؛ مروی، ۱۳۶۴: ۳۲؛ دهگان، ۱۳۹۳: ۲/۴۱).

واقعه انجدان یک ویژگی مهم داشت و آن قرار گرفتن سپاهیان عثمانی در برابر یک نیروی سنی مذهب بود که اگر دوره کوتاه حکومت شاه اسماعیل دوم را در نظر بگیریم، می‌توان گفت که برای نخستین بار پس از روی کار آمدن حکومت صفوی، سپاهیان عثمانی در عرصه جنگ با ایران با یک نیروی سنی مذهب روبرو بودند که در چنین شرایطی نیروهای چندگانه عثمانی که عمده آنها را اکراد نواحی غربی ایران تشکیل می‌دادند و در پی مخالفت با حکومت شیعی صفوی به آنها پیوسته بودند، اکنون دلیلی برای حضور در صفوف نیروهای عثمانی و مقابله با هم کیشان خود نمی‌دیدند و از سوی دیگر اوضاع آشفته ایران را نیز فرصتی برای بازیابی قدرت از دست رفته خود می‌دیدند، لذا این مسأله بود که صفوف سپاهیان عثمانی را بسیار شکننده و آسیب پذیر می‌ساخت. اشرف افغان نیز با آگاهی کامل بر این موضوع به صورت پنهانی در اثنای نبرد، با ارسال خلعت و حکم حکومتی آنها را برای خروج از سپاه عثمانی فریفت و سرانجام خانه پاشای بابان و چهارده هزار نیروی گرد و درگزینی همراهی وی از صف لشکریان عثمانی جدا شدند و همین موضوع به شکست سپاه احمد پاشا انجامید و بالاجبار با ۱۲۰۰۰ کشته تا همدان عقب نشست و از آنجا به کرمانشاه و سپس به بغداد رفت (عاصم افندی، ۱۸۶۵: ۶/۴۳۴ و ۲۵۰؛ فرائطی زاده، ۱۸۳۶: ۲/۱۲۳۳) پس از آن، خانه پاشا به پاس خوش خدمتی خود در نبرد انجدان، علاوه بر درگزین حکومت اردلان و همدان را نیز دریافت کرد (زکی بیگ، بی‌تا: ۲۲۱/۲).

### ۱۰-۳. سومین لشکر کشی احمد پاشا و صلح با اشرف افغان

احمد پاشا پس از شکست در انجدان در سال بعد (۱۱۴۰ هـ.ق / ۱۷۲۷ م.) برای جبران شکست به درگزین آمده اما این بار اشرف تصمیم به مصالحه گرفت و طبق قراردادی که بین طرفین در ۱۲ ماده به امضاء رسید (عاصم افندی، ۱۸۶۵: ۶/۵۰۲؛ فرائطی زاده، ۱۸۳۶: ۲/۱۲۳۸) مقرر شد تا سلطان عثمانی به عنوان خلیفه مسلمین شناخته شود و از همدان تا سرحد بغداد در تصرف عثمانی و از همدان الی اصفهان متعلق به منسوبان اشرف افغان باشد و در مقابل حکومت عثمانی، پادشاهی

---

۱. گزارش‌ها در این باره متفاوت است و ابراهیم دهگان در این خصوص گوید: به موجب این قرارداد تمامی قلمرو «علی شکر» تا سرحد «کراز و فراهان» به قشون آل عثمان واگذار گردید (دهگان، تاریخ اراک؛ ج ۲،

اشرف را به رسمیت بشناسد (مروی، ۱۳۶۴: ۳۲؛ همچنین بنگرید: لاکهارت، ۱۳۸۳: ۲۵۵؛ استرآبادی، ۱۳۷۷: ۲۱-۲۰؛ مینورسکی، ۱۳۸۷: ۴۱۴). بدین ترتیب مناطقی همچون؛ سلطانیه، ابهر، همدان و درگزین بار دیگر در اختیار حکومت عثمانی قرار گرفت (عاصم افندی، ۱۸۶۵: ۵۰۳/۶، ۵۱۱، ۵۱۳) و درگزین در منتهی‌الیه شمال همدان آخرین محدوده متصرفات عثمانی گردید. اما حاکم واقعی این نواحی همچنان خانی پاشا بود که هر بار پس از خروج نیروهای عثمانی به محل حکمرانی خود بازگشته و حکومت آن را در دست می‌گرفت.

بنابراین، از نخستین یورش سپاهیان عثمانی در سال ۱۱۳۶هـ.ق/۱۱۷۲۴م. تا شعبان ۱۱۴۲هـ.ق/۱۷۲۹م. که نادر به عزم استرداد ممالک عراق، متوجه نهب‌اند و همدان شد (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۱۵؛ مروی، ۱۳۶۴: ۱/۱۲۴)، خانی پاشا همچنان حکومت درگزین و نواحی آن را برعهده داشت. پس از آن در سال ۱۱۴۲هـ.ق/۱۷۲۹م. نادر در نهب‌اند به ترک‌ها حمله برد که عثمان پاشا سردار ترک شکست خورد و جمع کثیری از سپاهیان عثمانی و اکراد متحد آنان کشته و اسیر شدند و خود به آذربایجان گریخت و پس از آن نادر وارد همدان گردید (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۱۹؛ مروی، ۱۳۶۴: ۱/۱۳۲). نادر از همدان راهی تصرف درگزین شده که استرآبادی در این باره گوید: «سپس طایفه دره‌جزین [درگزین] درین مدت با افغان‌ها اتفاق ورزیده، لازمه شرارت و آسر و نهب و غارت بظهور رسانیده بودند، بعد از تسخیر همدان برای آن طایفه جمعی مأمور شدند و قلع و قلاع ایشان بر وجه بلیغ بعمل آمد.» (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۱۲۲).

نادر پس از تنبیه بختیاری‌ها و درگزینی‌ها و ترکمانان کولان در اول محرم ۱۱۴۳ (۱۷ ژوئیه ۱۷۳۰) به سوی آذربایجان رفت (مینورسکی، ۱۳۸۷: ۱۳). در اینجا با پیوستن گروهی از نیروهای درگزینی به سپاه نادر و کوچ سنیان این محل به نواحی دیگر، برای همیشه وقایع سنیان درگزین پایان یافت.

## نتیجه

---

صص ۴۹-۴۳)، اما بر اساس شواهد و مدارک موجود خانی پاشای بابان که پیش از این متحد عثمانی بود این بار به اشرف پیوسته و حکومت این نواحی نیز به دست همو بوده است.



حکومت عثمانی به دلیل ماهیت مذهبی و جوهره اسلامی‌اش لاجرم یک دولت دین مدار با سیاست‌های عقیدتی بود. در این راستا حاکمان نخستین آن، با تعریف دو کارکرد ویژه برای امارت خود که عبارت بود از «جهاد اسلامی» و «مرزبانی قلمرو اسلامی» جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان به دست آوردند. این رویکرد با آغاز دوره طلایی حکومت عثمانی و با حضور حاکمان مقتدری چون سلطان سلیم و پسرش سلیمان بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و با فتح مصر و حرمین شریفین به اوج خود رسید و از آن پس حاکمان عثمانی با عنوان «خادم الحرمین شریف» و «خلافت» مدافعان اهل سنت شناخته شدند و به زودی تمایلات سنی‌گری به صورت یک سیاست حکومتی قدرت گرفت. از این زمان سنیان ایران به عنوان مخالفین حکومت صفوی مورد حمایت عثمانی قرار گرفتند و یک رابطه دو سویه میان آنان شکل گرفت که نقطه اشتراک آن در مخالفت با حکومت شیعی صفوی بود. همین عامل باعث گردیده بود تا اهل سنت کردستان و درگزین نه تنها در برابر حملات عثمانی مقاومتی از خود نشان ندهند، بلکه به آنها پیوسته و حتی در مواقعی خود عامل اصلی ترغیب عثمانی برای حمله به مرزهای غربی به حساب آیند. به همین دلیل حملات قوای عثمانی به این نواحی غالباً با موفقیت همراه بود و استقرار و استمرار حاکمیت آنان بر این نواحی را برای مدتی طولانی فراهم ساخت، به طوری که درگزین در معدود مواقعی در دست حاکمان صفوی بود که در این ایام نیز عثمانی از طریق سفرایی که به دربار صفوی در اصفهان می‌فرستاد، از وضعیت آنان کسب اطلاع می‌کرد و به نوعی ساکنین این محل را به عنوان نیروهای ذخیره خود به حساب می‌آورد، به طوری که حملات را قوای عثمانی انجام می‌دادند اما پیشرو و راهنمای آنان سنیان درگزین بودند که نواحی درگزین را قتل و غارت می‌کردند. اما با این حال، اتحاد سنیان درگزین و اکراد نواحی غربی با عثمانی از آنجا که یک اتحاد سیاسی برای مقابله با حکومت صفوی به حساب می‌آمد، بسیار شکننده و به میزان بهره‌مندی هر یک از آنان از وضعیت موجود بستگی داشت. اهل سنت و اکراد در چارچوبی از روابط و مناسبات خاص سیاسی عمل می‌کردند که خود مبتنی بر ساخت ویژه قدرت در این نواحی بود. در این نوع از ساختار سیاسی، مهمترین هدف هر یک از حوزه‌ها حفظ موجودیت و نگه داشتن توازن با دیگر حوزه‌ها بود. در این میان اگر قدرت مرکزی یا هر قدرت رقیب دیگر به تأمین این اهداف یاری می‌رساند می‌توانست متحد و هم‌پیمان باشد. به همین علت بود که نخستین بار سنیان پس از روی کار آمدن شاه اسماعیل دوم که نشانه‌هایی از تمایل وی به اهل سنت وجود داشت، به وی پیوسته و حتی به تحرکاتی در مقابل عثمانی نیز دست زدند و چون افغان‌ها سر کار آمده در نبرد انجدان از صف سپاهیان عثمانی جدا شده و به اشرف افغان پیوستند که این امر

شکست قوای عثمانی را به دنبال داشت. در چنین شرایطی منافع سیاسی، تعیین کننده جهت گیری‌ها بود و مذهب عنصری تعیین کننده محسوب نمی‌شد و حتی اگر هم اهمیت می‌یافت بیشتر نقش پوششی داشت. بنابراین هرچند که در ابتدا حملات عثمانی به شرق و اتحاد آنان با اهالی سنی درگزين و اکراد مخالف صفوی ریشه‌های مذهبی داشت و حاکمان عثمانی برای حمله به ایران مدت‌ها منتظر تأیید نهادهای مذهبی داخلی می‌ماندند، اما به مرور حملات عثمانی ماهیت سیاسی یافت و تهاجمات متأخر عثمانی منجر به ویرانی و قتل و غارت درگزين گردید و نهایتاً با حملات افغان‌ها این دوگانگی بیش از پیش نمایان شد و با پیوستن سنیان این محل به افغان‌ها، حکومت عثمانی به سرعت در درگزين و همدان جایگاه و اعتبار خود را از دست داد و حضور آنان اینبار برای همیشه از این نواحی زدوده شد.

## منابع و مأخذ

### کتاب فارسی

- ابن‌فقیه، احمد بن محمد، (۱۴۱۶)، البلدان، هادی یوسف، بیروت، عام الکتب.
- اذکایی، پرویز، (۱۳۹۲)، درگزين تا کاشان، چاپ دوم، کاشان: سوره تماشا.
- احمد یاغی، اسماعیل، (۱۳۸۹)، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان، (۱۳۷۷)، جهانگشای نادری، به تصحیح سید عبدالله انوار، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی،
- امامی، محمد تقی (۱۳۹۵)، تاریخ امپراتوری عثمانی، تهران: سمت
- امینی، ابراهیم بن میر جلال الدین، (۱۳۸۳)، فتوحات شاهی (تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ هجری قمری)، محمد رضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اوزون چارشلی، اسماعیل حقی، (۱۳۶۸)، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، ج ۲، تهران، انتشارات کیهان.
- اوزون چارشلی، اسماعیلی حقی، (۱۳۸۰)، تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، ج ۲، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- اینالجب، خلیل، (۱۳۹۴)، امپراتوری عثمانی، ترجمه کیومرث فرقلو، تهران، نشر بصیرت.
- ارآوجی، مصطفی، (۱۳۹۲)، مروری بر روابط عثمانی- صفوی، گردآورنده و مترجم نصرالله صالحی، تهران، طهوری.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، (۱۳۶۷)، مرآت البلدان، هاشم محدث، عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- بدلیسی، شرف خان، (۱۳۷۷)، شرف نامه، ولادیمیر ولییامینوف، ج ۲، چاپ اول، تهران، اساطیر.
- ترکمان، اسکندر بیک، (۱۳۸۲)، تاریخ عالم‌آرای عباسی، به تصحیح ایرج افشار، ج ۱، ۲، ۳، تهران، امیرکبیر.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (۱۳۷۶)، ترجمه تقویم التواریخ: سال شمار وقایع مهم جهان از آغاز آفرینش تا سال ۱۰۸۵ هـ.ق، از مترجمی ناشناخته، تهران، چاپ میرهاشم محدث.
- حزین لاهیجی، شیخ محمدعلی، (۱۳۷۵)، تاریخ و سفرنامه حزین، به تحقیق و تصحیح علی دوانی، تهران، انتشارات مرکز اسناد و انقلاب اسلامی.
- حسینی، خورشاه ابن قباد، (۱۳۷۹)، تاریخ ایلچی نظام شاه، به تصحیح محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه‌دا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- حضرتی، حسن، (۱۳۸۹)، مشروطه عثمانی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
- خاتون آبادی، سید عبدالحسین حسینی، (۱۳۵۲)، وقایع السنین و الاعلام: گزارش سالیانه از ابتدای خلقت تا سال ۱۱۹۵ هجری، با مقدمه آیت‌الله سید مرعشی، شهاب‌الدین نجفی و شعرانی، آیت‌الله حاج شیخ ابوالحسن، به تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
- خواجگی اصفهانی، محمد معصوم، (۱۳۶۸)، خلاصه السیر: تاریخ روزگار شاه صفی صفوی، تهران، انتشارات علمی.
- دهگان، ابراهیم (۱۳۹۳)، تاریخ اراک، جلد ۲، تهران، انتشارات زرین و سیمین.
- ریاحی، محمد امین، (۱۳۶۸)، سفارت نامه‌های ایران (سفارت نامه احمد دری)، تهران، انتشارات توس.

- زکی بیگ، محمدمین، (بی‌تا)، زبده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن اردلان، ج ۲، تهران، انتشارات توس.
- ساری کایا، صفوت، (۱۳۹۲)، مناسبات ایران و عثمانی از منظر دین و سیاست، ترجمه داود وفایی، گردآورنده نصرالله صالحی، تاریخ روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی، تهران، طهوری.
- عالم آرای شاه اسماعیل، (۱۳۸۴)، به تصحیح اصغر منتظر صاحب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- فسایی، حاج میرزا حسن حسینی، (۱۳۸۲)، فارس نامه، به تصحیح منصور رستگار فسایی، ج ۱، تهران، امیرکبیر.
- کروسینسکی، (۱۳۶۳)، سفرنامه کروسینسکی، ترجمه عبدالرزاق دنبلی، تهران، توس.
- گنابادی، قاسمی حسینی، (۱۳۸۷)، شاه اسماعیل نامه، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- لاکهارت، لارنس، (۱۳۸۳)، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مروی، محمدکاظم، (۱۳۶۴)، عالم آرای نادری، به تصحیح و مقدمه و حواشی، دکتر محمدمین ریاحی، به ترجمه دکتر عنایت‌الله رضا، تهران، کتاب‌فروشی زوار.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر، (۱۳۶۲)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر.
- مستوفی، محمد محسن، (۱۳۷۵)، زبده التواریخ، به تصحیح بهروز گودرزی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مطراچی، نصح، (۱۳۷۷)، بیان منازل، ترجمه و تلخیص رحیم رئیس دانا، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- مینورسکی، ولادمیر، (۱۳۸۷)، ایران در زمان نادرشاه، به تصحیح علی‌اصغر عبداللهی، تهران، دنیای کتاب.
- قزوینی، میرزا محمدطاهر، (۱۳۸۳)، تاریخ جهان‌آرای عباسی (عباس نامه)، مقدمه، سعید میرمحمد صادق، زیر نظر احسان اشراقی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر، (۱۳۷۹)، جغرافیا و تاریخ کردستان: حدیقه ناصریه و مرآت الظفر، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران، انتشارات توکلی.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله، (۱۳۸۰)، معجم البلدان، به کوشش علی نقی منزوی، ج۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).

### کتاب ترکی

- نعیم، مصطفی، (۱۲۸۱ق)، تاریخ نعیم: روضه‌الحسین فی خلاصه اخبارالخاقین، ج ۳، استانبول.
- اولیاء چلبی، محمد ظلی ابن درویش، (۱۳۱۴)، اولیاء چلبی سیاحت‌نامه سی، ج ۴، طبع احمد جودت، درسعاده اقدام مطبعه سی.

### کتاب عربی

- عمادالدین کاتب، محمد بن محمد، (۱۴۲۵)، تاریخ دولت آل سلجوق، محقق یحیی مراد، بیروت: دارالعلمیه.

### مقالات

- بیک محمدی و همکاران، «تحلیلی درباره اکوسیستم و جغرافیای طبیعی دشت‌های کرانه شرقی الوند و نقش آن در عدم جذب زیستگاه‌هایی از جوامع اولیه انسانی مبنی بر مطالعات باستانشناختی»، پژوهش‌های تاریخ طبیعی، ش ۴، ۱۳۹۵.
- دهگان، ابراهیم، «اقلیت‌های عراق یا سنی‌های درگزین»، مجله یغما، ش ۴، ۱۳۳۳.
- شرفی صفا، حبیب، چنگیزی اردهایی، اسماعیل، رازنهان، محمد حسن، «تکوین خطوط مواصلاتی نواحی شرقی همدان و جایگاه آن در تکامل مراکز سکونتگاهی با تأکید بر درگزین»، مجله پژوهش‌های ایران‌شناسی، دوره ۷، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.

### منابع ترکی

- عاصم افندی، چلبی زاده (۱۸۶۵)، تاریخ عاصم افندی، استانبول.
- ادرنه‌لی، محمد بن محمد (۱۸۶۰)، نخبه التواریخ و الاخبار، تقویمخانه عامره.

- فرائظی زاده، محمد سعید (۱۸۳۶)، تاریخ گلشن معارف، دارالطباعه عامره.
- فریدون بیگ، (۱۸۵۸)، منشآت فریدون بیگ، تقویمخانه عامره.
- پچوی، ابراهیم (۱۸۶۴)، تاریخ پچوی، دارالطباعه عامره.
- قره چلبی زاده، عبدالعزیز افندی (۱۸۳۲)، سلیمان نامه، دارالطباعه عامره.

## مقالات

- Sharafi Safa, Habib, Ali Soufi, Alireza. (1399). The Influence of the Centrality of Sultanieh on the Political and Religious Situation of Dargazin. فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، ۱۱(۲۳)، ۱۰۱-۱۲۲. doi: 10.22034/jiiph.2020.11375\

## The importance of Dargazin in the Ottoman attacks to the west of Iran

(907-1143 AH)

### Abstract

Ottoman attacks on the Islamic borders in the east, as opposed to the west of this empire, needed proper justification and persuasion of the domestic public opinion and other Muslims. In this regard, the Ottoman rulers stated that their goals of attacking the east were to restore the Islamic caliphate, confront the Safavids as the promoters of Shiism, and help their fellow Sunnis in the east, especially inside Iran. In this regard, the presence of Ottoman forces in the Sunni region of Dargazin on several occasions has strengthened the hypothesis that the people of this city were with the Ottomans. This hypothesis has been proposed since Dargazin is one of the few Sunni areas in the center of Iran, whose

residents are still dissatisfied with the new government after the Safavid dynasty came to power. Also, the attacks of the Ottoman sultan Suleiman in the years 940 and 941 AD and after that the presence of some ambassadors and finally the attacks of the Ottoman forces on Dargazin at the end of the Safavid rule, added to the importance of this issue to the extent that these attacks were aimed at supporting the Sunni people. This place is considered.

Therefore, the current research is trying to analyze and investigate the importance of Dargazin and its Sunni inhabitants in the attacks and events of Iran and Ottomans during the Safavid period, in a descriptive-analytical approach and relying on library sources. The findings of the present research show that the people of this region were with the Ottomans in limited periods and that was in opposition to the Safavids. The reports of sources about the killing and looting of the people of Dargazin by the Ottoman forces, as well as the tendency of the Dargazini's to support the Qoyunlu and the Afghans at the end of the Safavid rule, can be a proof of the continuous lack of cooperation of the people of this place with the Ottomans.

**Key words:** Safavid, Osmani, Hamedan, Dargazin, Sunnis of Darghazin